دو فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)

سال سوم، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

لزوم وضع نظام حمایتی خاص "sui generis" برای حمایت از جلوه‌های فرهنگ عامه[۱]

مهدی امینی [۲]؛ حسین کاویار [۳]

چکیده:

ایران به عنوان کشوری با پیشینهٔ تاریخی درخشان و تنوع قومیتی، فرهنگی و زیستی، برخوردار از گنجینه‌ای از جلوه‌های مختلف فرهنگ عامه است که بایستی مورد حمایت حقوقی قرار گیرد. چه در حقوق داخلی و چه در بُعد بین‌المللی مباحث زیادی در خصوص قابلیت شاخه‌های مختلف حقوق مالکیت فکری (حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مالکیت صنعتی) برای حمایت از جلوه‌های فرهنگ عامه مطرح شده است. تعمّق در مباحث مذکور و دقت در کاستی‌های حقوق مالکیت فکری در حمایت از جلوه‌های فرهنگ عامه، لزوم طراحی یک نظام حمایتی خاص را نشان می‌دهد. قابلیت تک‌تک مصادیق حقوق مالکیت فکری برای حمایت از جلوه‌های فرهنگ عامه مورد بررسی قرار گرفته است. (به‌خصوص سازمان جهانی مالکیت فکری برای تطبیق این جلوه‌ها با مصادیق مختلف مالکیت فکری از قبیل کپی رایت، حمایت از گونه‌های گیاهی، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری و دیگر مصداق‌ها تلاش زیادی کرده است.) ولی هیچ یک در حمایت کامل و مؤثر از تمام مصادیق فرهنگ عامه موفق نبوده‌اند. عدم امکان حمایت کامل و کارا از جلوه‌های فرهنگ عامه در قالب حقوق مالکیت فکری، ناشی از ویژگی‌های خاصّ این نمودهاست. گستردگی، تنوع و ناهمگون‌بودن مصادیق، اولین ویژگی این نمودها است؛ فرهنگ عامه، طیف وسیعی از جلوه‌های علمی، بصری، سمعی، ادبی و مانند آن را در بر می‌گیرد. یکی دیگر از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، گروهی‌بودن و تعلّق آن به مردمان یک کشور یا منطقه است؛ این نمودها به شخص خاصی تعلق ندارند، متعلق به گروهی از مردم هستند که دارای اشتراکات تاریخی، قومی، فرهنگی و مانند آن هستند. در حالی که حقوق مالکیت فکری جز در موارد استثنایی (نشانه‌های مبدأ جغرافیایی و علائم جمعی) در راستای حمایت از منافع شخصِ آفریننده عمل می‌کند. علاوه بر این، آنچه در حمایت از جلوه‌های فرهنگ عامه اهمیت دارد، جنبهٔ منفی و سلبی این حمایت است. پیشگیری از مصادره و دست‌اندازی بیگانگان و غیربومی‌ها، استفاده نامتعارف، تحریف مصادیق و مانند آن از جمله مسائلی است که باید در نظام حمایتی پیش‌بینی شود. در حالی که حقوق مالکیت فکری به

---

۱. نویسندگان این مقاله را به پاس خدمات ارزشمند علمی دانشمند فرهیخته جناب آقای دکتر حسین صفایی، به ایشان تقدیم می‌کنند.

۲ . استادیار گروه حقوق دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول)؛ amini.۵۰۵۰@yahoo.com

۳ . استادیار گروه حقوق دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ hosseinkaviar@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

موازات جنبه سلبی (منع دیگران از تجاوز به حقوق انحصاری صاحب حق)، به تعیین حقوق مادیِ مثبت و ایجابی صاحب حق نیز می‌پردازد. چنین حقوقی اصولاً در مورد جلوه‌های فرهنگ عامه موضوعیت ندارد. دیگر آنکه، در خصوص جلوه‌های فرهنگ عامه، تعیین اشخاصی که نسبت به موضوع، دارای حق هستند، امری است به غایت دشوار که به نظر نمی‌رسد از طریق نظام حقوق مالکیت فکری موجود قابل حل باشد. نظام حمایتی باید حاوی شیوه‌ای برای تعیین صاحبان حق و تقسیم منصفانهٔ ارزش‌ها و منافع بین آنها باشد. گذشته از موارد مطروحه، حمایت از طریق حقوق مالکیت فکری، اصولاً موقتی بوده، در بسیاری از موارد نیازمند ثبت است و مستلزم صرف هزینه و انجام تشریفات اداری است، مواردی که هیچ‌یک با روح و هدف حمایت از جلوه‌های فرهنگ عامه سازگاری ندارد.

بنابر مطالب فوق، طراحی یک نظام حقوقی منسجم در خصوص جلوه‌های فرهنگ عامه که علاوه بر حمایت‌های موضوع حقوق مالکیت فکری، جلوه‌های مذکور را از فراموشی حفظ کرده و به استفاده، ترویج و معرفی آن به جهان امروز کمک کند ضروری می‌نماید، امری که می‌تواند در قالب یک قانون خاص و جامع عملی شود. به نظر می‌رسد این، دینی باشد که نظام حقوقی به فرهنگ عامه– به عنوان میراث مشترک جامعه– دارد.

واژگان کلیدی: جلوه‌های فرهنگ عامه، حقوق مالکیت فکری، نظام حمایتی خاص، فولکلور، دانش سنتی.

۱. مقدمه

فرهنگ عامه میراث مشترک و مهم هر جامعه است. جلوه‌های مختلف آن اعم از نمودهای ادبی، موسیقیایی، رفتاری و ... منتقل‌کنندهٔ تجربیات، دانش، عواطف و احساسات و ارزش‌های یک جامعه است. حفظ و گسترش این میراث مشترک، می‌تواند به حفظ وحدت و یکپارچگی در جوامع باشد. علاوه بر این، نمودهای مذکور می‌تواند در زمینه‌های مختلف مورد استفاده قرار بگیرد و تجاری‌سازی شود. علی‌القاعده، حقوق ناشی از این نمودها به جوامع بومی که خاستگاه آنهاست، تعلق دارد و باید به نحوی منصفانه در داخل جوامع مذکور مورد استفاده قرار بگیرد. برای نیل به این هدف به استفاده از ابزارهای حقوقی نیاز است تا مانند هر حق دیگر، حدود و ثغور و نحوهٔ استفاده از آن مشخص شود و از استفاده‌های نامناسب، تصاحب، وهن آثار و سوءاستفادهٔ اشخاص ثالث ممانعت به عمل آید. در نگاه اول، با توجه به ماهیت این نمودها به نظر می‌رسد که حقوق مالکیت فکری– علی‌الخصوص شاخهٔ مالکیت ادبی و هنری– این ظرفیت را دارد که حمایت لازم را از این نمودها به عمل آورد. تلاش‌های زیادی نیز در سطح بین‌المللی در این خصوص به عمل آمده است. امّا ویژگی‌های خاصی که در این نمودها وجود دارد، حمایت در قالب مالکیت فکری را دشوار می‌سازد. این نمودها به‌تدریج

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

و در طول زمان به وجود آمده‌اند و آفرینندهٔ آنها جامعه است. هدف از حمایت و مدت حمایت نیز متفاوت از حقوق مالکیت فکری است.

این مقاله پس از معرفی اجمالی نمودها و ویژگی‌های آن، قابلیت حمایت از آنها در قالب حقوق مالکیت فکری را مورد بررسی قرار می دهد و نهایتاً به ضرورت حمایت در قالب شیوهٔ حمایتی خاص می‌پردازد.

۲. مفهوم نمودهای فرهنگ عامه

۲-۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی

واژهٔ folklore مرکب از دو بخش folk به معنی توده و مردم و lore به معنی دانش است. این واژه نخستین باردر سال ۱۸۴۶م. توسط باستان‌شناس انگلیسی ویلیام جان تامز (با نام مستعار «آمبروز مورتون» Ambrose Morton) ساخته شد. ویلیام تامز، فولکلور را به عنوان جانشینی برای اصطلاح نادرست «عتیقات عامیانه» پیشنهاد کرد که عتیقه‌شناسان انگلیسی و زبان‌شناسان آلمانی در نیمهٔ نخست سده نوزدهم میلادی برای مطالعه راه و رسم زندگی طبقات پایین اجتماع ساخته بودند. او می‌نویسد: «آنچه ما در انگلستان، رسوم باستانی عامیانه با ادبیات عامیانه می‌نامیم را می‌توان دقیقاً با یک ترکیب خوب ساکسونی یعنی «فولک – لور» یا «دانش عامیانه» بیان کرد» (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۴۰۳). این کلمه در ایران به «فرهنگ عامه» ترجمه شده است.

ویلیام تامز فولکلور را به گونه‌ای نظم علمی می‌دانست که موضوع آن بحث درباره دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی است. اگرچه از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم همگام با گسترش علوم اجتماعی و به خصوص مردم‌شناسی فرهنگی[۱] شاخه علمی جدید فولکلور رفته‌رفته توسعه یافت. لیکن همیشه به عنوان یک نظام علمی که به موضوع خاصی می‌پردازد و در خود آن موضوع نیز گونه‌ای ابهام وجود دارد به کار رفته است؛ مثلاً گئورگ هرزو می‌نویسد: فولکلور مسائل و بخش‌هایی از فرهنگ است که ابدی شده و با حکایت شفاهی – افسانه‌ها – آوازه‌های عامیانه و رقص‌ها بیان می‌شود. در ایران هم اکثر کسانی که در زمینه گردآوری موضوعات فرهنگ عامه کار و تحقیق کرده‌اند تعریف هرزو را

---

۱. Cultural anthropology

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

پذیرفته‌اند و عموماً فولکلور را مجموعه‌ای از «دانستنی‌ها» و اعمال و رفتاری دانسته‌اند که در میان عامهٔ مردم سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (به نقل از فاضلی، ۱۳۸۰).

نمودهای فرهنگ عامه در مفهوم حقوقی، به مجموعه‌ای از تولیدات آثار، خلاقیت، عقاید و سنن گروه یا جامعه‌ای معین اطلاق می‌شود که با شیوه‌های ملموس و غیرملموس در قالب اشکال هنری (اعم از اجرایی و غیراجرایی) و ادبی یا به صورت دانش بومی (شامل دانش طبی، دانش کشاورزی، و دانش زیست محیطی)، منابع طبیعی و اکولوژیکی ویژه و منابع ژنتیک تبلور یافته و عامل شناسایی اجتماعات و شناسنامه فرهنگی و زیستی این جوامع است (ر.ک: حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

بنابراین، برخلاف تصوّر بسیاری که فکر می‌کنند فولکلور، تنها مربوط به گذشتگان و جنبه‌های مختلف زندگی آنهاست، باید گفت که هر چند فولکلور (یا همان فرهنگ عامیانه)، میراث پیشینیان است؛ اما در حال حاضر و در جوامع امروزی نیز وجود دارد و هنوز هم زنده، پویا، جذّاب و باصلابت، بر پای ایستاده است و مردم در حال حاضر نیز با مجموعه دانسته‌هایی که از گذشته‌های دور و از نسل‌های گذشته به جا مانده و سینه به سینه، جا عوض کرده و به آنها رسیده است، زندگی می‌کنند و در حقیقت، همین فولکلور است که تا حدّ زیادی به زندگی آنها معنا و مفهوم می‌بخشد و آنها را به ادامه زندگی، دلگرم می‌سازد. در واقع، اگر فولکلور یک ملت را از آن بگیریم، تمام هویت آن ملت را گرفته‌ایم که بدون آن، زندگی، غیر ممکن خواهد بود.

۲-۲. نظریات مطرح پیرامون ماهیت نمودهای فرهنگ عامه

چند نظریهٔ کلی پیرامون فرهنگ عامه وجود دارد:

۱. نخست این که آن را از طرف صنایع فرهنگ‌سازی سرمایه‌داری تحمیل شده و با هدف عوام‌فریبی و سود بردن می‌دانند. این دیدگاه، فرهنگ عامه را یک نظام (ساختار، قالب و چهارچوب) می‌بینند. دیدگاه‌های ساختارگرایی، مکتب فرانکفورت، برخی انواع پساساختارگرایی، و اقتصاد سیاسی مدافع این نگرش هستند.

۲. نگرشی که فرهنگ عامه را برآمده از اعماق جامعه و «ندای» واقعی مردم، عامه، طبقه کارگر، یا خرده‌فرهنگی «اصیل» می‌داند. این دیدگاه فرهنگ را شامل نوعی کنش‌گری مردم می‌داند. دیدگاه‌های تاریخ اجتماعی، تاریخ اعماق جامعه، و برخی انواع ساختارگرایی مدافع این نظر هستند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

۳. نظریه‌پردازانی با به کار گیری مفهوم هژمونی، فرهنگ عامه را «موازنه‌ای مبتنی بر مصالحه» از هر دو دیدگاه بالا می‌دانند. این پژوهشگران توجه خود را بر نحوه فرهنگ‌سازی مردم با استفاده از کالاهای فراهم شده توسط صنایع فرهنگ‌سازیِ سرمایه‌داری معطوف می‌کنند و رابطه میان کنش‌گری و نظام (میان تولید و مصرف) را رابطه‌ای دیالکتیکی می‌دانند. این دیدگاه که «انسان‌ها هم فرهنگ خود را می‌سازند و هم توسط فرهنگ ساخته می‌شوند» را در واقع کارل مارکس نخستین بار ارائه کرد. آنتونیو گرامشی و دیگر نظریه‌پردازان نیز به طور جدی بدان پرداخته‌اند. (استوری، ۱۳۸۶: صص ۲۵-۱۷)

۳. ویژگی‌های نمودهای فرهنگ عامه

فرهنگ عامه مفاهیمی را در بر می‌گیرد که زندگی واقعی تودهٔ مردم هر کشوری را شامل می‌شود. فولکلور خاص یک یا دو کشور جهان نیست. کلیهٔ کشورها دارای فولکلور هستند. هر کشوری که گذشتهٔ پر نشیب و فرازتری داشته باشد، هر کشوری که سایه روشن تاریخ در آن زیادتر به چشم بخورد، دارای فولکلور پرمایه‌تری است. به عبارتی فلسفه‌های مختلف، مذاهب مختلف و اندیشه‌های گوناگونی را که طیّ سالیان تلقین شده، خواه ناخواه اثراتی از خود به جای گذاشته که گرچه روزی جلوه فرهنگ خاص بوده ولی به مرور زمان، داخل در زمینهٔ فرهنگ عوام گردیده و به خاطر همین است که کشورهای قدیمی و کهنسال که در برخورد شدید افکار و اندیشه‌های سایر ملت‌ها بوده‌اند، غنی‌ترند؛ اما نکاتی هست که در فولکلور کلیه کشورها مشترک است و می‌توانیم آنها را خصایص ویژهٔ فولکلور در هر آب و خاک و هر زمین و سرزمین بدانیم. این ویژگی‌های مشترک عبارتند از:

۱. فرهنگ عامهٔ همه کشورها اغلب زاییده تجربه و رویدادهای اجتماعی است. هیچ نمود فولکلوری وجود ندارد که زادهٔ تجربه‌ای از گذشتگان نباشد و یکی از علل اعتبار فولکلور همین است. پس از سالیان دراز، امروزه بشریت معیار و موازین همه چیزها خاصه علوم را تجربه عنوان کرده است. تمام موارد و نکات مربوط به فولکلور نیز بر مبنای تجربیاتی است که از گذشتگان داشته‌اند و سینه به سینه و نسل به نسل به ما رسیده است. بنابراین یکی از ویژگی‌های فولکلور این است که معمولاً اندیشه‌های عامیانه دارای شالوده‌ای است که از یک فرهنگ کهن مایه گرفته است. می‌بینیم که در میان برخی این عقیده هست که هر کسی در عالم یک ستاره دارد، آیا این داشتن ستاره

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

نمی‌تواند حکایت از آن بکند که هر کسی، هر زنده‌ای به امیدی دل بسته است هرچند کوچک، دور و مبهم و حکایت از پیوند همزاد، با انسانی که سخت تنهاست، نمی‌کند؟ (همایونی، ۱۳۵۶: ۹۲)

۲. یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگ عامهٔ یک ملت، مثبت و خلاقه بودن آن و متناسب بودن با مذهب، روح، نژاد و منطقه جغرافیایی آن ملت است. در دنیای فولکلور آنچه می‌بینیم و تشخیص می‌دهیم و حس می‌کنیم، سرشار از امید است. نمودهای یأس‌آفرین در فولکلور کمتر جایی دارد. وقتی ترانه‌های محلی را که می‌خوانیم، می‌بینیم که امید عاشق به وصل، حتی پس از مرگ ادامه دارد، حتی پس از مرگ و زیر خاک و گل خفتن، باز دل از امید وصل بر نمی‌دارد، در روز واپسین دامن معشوق را می‌گیرد و شکایت او را پیش دادار خواهد برد و او را از آن خود خواهد کرد. در قصه‌ها و افسانه‌ها نیز امید هیچ قهرمانی به ناامیدی نمی‌انجامد و قهرمان با تحمل همه خواری‌ها، زبونی‌ها، دربه‌دری‌ها، بالاخره گیسوی یار را به کف و پیکر او را در آغوش خواهد فشرد، آن هم بر مبنا وروش بسیار انسانی. (همایونی، ۱۳۵۶: ۹۲)

۳. ویژگی دیگر فولکلور، منطقه‌ای بودن آن است. هر منطقه‌ای متناسب با اوضاع و احوال جغرافیایی خویش دارای فولکلور خاصی است که آدم بوی خاک، گل و گیاه آن را در خلال مطالعه فولکلورش حس می‌کند، صدای جانورانش را می‌شنود، طعم خاص اغذیه‌اش را می‌چشد و نیاز مردمش را احساس می‌کند و بی‌نیازی‌هایش را درک می‌کند. (همان، ص۹۳)

۴. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نمودهای فرهنگ عامه این است که آنها فاقد آفرینندهٔ مشخص هستند. این در حالی است که حقوق مالکیت فکری، در پی حمایت از آفریننده است و به او حقوق انحصاری اعطا می‌کند.

٤. چالش‌های حمایت از نمودهای فرهنگ عامه از طریق حقوق مالکیت فکری

نمودهای فرهنگ عامه از جنس آفرینش‌های فکری انسان هستند؛ بنابراین انتظار این است که حقوق مالکیت فکری جایی برای حمایت از آنها داشته باشد. امّا دقت در وضعیت موجود حقوق مالکیت فکری نشانگر عدم کارایی این حقوق در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه دارد. از حیث

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

عملی، حمایت از دانش سنتی[۱] و نمودهای فرهنگ عامه از طریق حقوق مالکیت فکری دشوار است، به‌خاطر برخی مفاهیم پذیرفته شده در حقوق مالکیت فکری از قبیل: مالکیت، اصالت، دورهٔ حمایت، ابتکاری بودن، منحصر به فرد بودن و تثبیت (Kuruk, ۲۰۰۷: p۷۱-۷۲). شرط مکتوب بودن، بسیاری از نمودها را که به صورت شفاهی منتقل شده است، از دایرهٔ حمایت خارج می‌کند.

۱-٤. حقوق مالکیت ادبی و هنری

بسیاری از مصادیق نمودهای فرهنگ عامّه از قبیل اشعار عامه، آوازها و نغمه‌های محلی، افسانه‌ها، داستان‌ها، نقاشی‌ها و ... از لحاظ جنس و ماهیت با آثاری که مورد حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری است، یکسان است. بنابراین، باید این مسأله بررسی شود، که با توجه به این اشتراک، آیا قالب مالکیت ادبی و هنری، قالب مناسبی برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامه است؟

تلاش‌ها برای حمایت از فولکلور از طریق کپی‌رایت مسألهٔ جدیدی نیست. کنوانسیون آفریقایی حقوق مالکیت فکری[۲] و نیز قوانین برخی کشورها از قبیل: تونس، بولیوی، الجزایر، شیلی تلاش کردند تا از این نمودها در قالب حقوق مالکیت ادبی و هنری حمایت کنند. در این قوانین، تأکید شده است که آثار باید توسط پدیدآورندگانی با هویت نامعلوم بوجود آمده باشد که تبعهٔ آن کشور هستند یا بوده‌اند. کنوانسیون آفریقایی حقوق الکیت فکری (OAPI) [۳] اشاره می‌کند که آثار باید بوسیلهٔ جوامع بوجود آمده باشند و نه اشخاص.(UNESCO AND WIPO, ۱۹۸۲, P.۵) این موضوع در سال ۱۹۶۷ و در جریان اصلاح کنوانسیون برن در استکهلم نیز مطرح گردید. اگرچه گفته می‌شود، گنجاندن یک ماده (مادهٔ ۱۵ (۴) در خصوص آثار منتشرنشده‌ای که هویت آفریننده آن معلوم نیست) در کنوانسیون برن، در راستای پاسخ به این مسأله بوده است؛ امّا تردیدها در خصوص کفایت کپی‌رایت برای حمایت از نمودهای فرهنگی پابرجا ماند. بسیاری از نمودهای فرهنگ عامه به صورت

---

۱. سازمان جهانی مالکیت فکری، امروزه غالباً بین دانش سنتی و نمودهای فرهنگ عامه قائل به تفاوت می‌شود؛ چرا که ابزارهای حقوقی متفاوتی برای حمایت از این دو به‌کار می‌رود، (WIPO, ۲۰۱۵, p.۲۲) با این حال نباید فراموش کرد که دانش سنتی و نمودهای فرهنگ عامه از جهات مختلف علی‌الخصوص، خاستگاه، اختصاص به جامعه، ضرورت حمایت و برخی ویژگی‌های آن از قبیل مستمر بودن، با یکدیگر مشترک هستند.

۲. African Intellectual Property Organization (OAPI)

۳ . Organisation Africaine de la Propriété Intellectuelle (OAPI)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

اشتراکی خلق می‌شوند. (Wong and Fernandin, ۲۰۱۱, p.۸) و واجد شرایط لازم برای حمایت در قالب مالکیت ادبی و هنری نیستند. یونسکو و وایپو در طرح مشترکی که به عنوان مقررات نمونه برای تدوین قوانین ملی در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه تهیه کرده‌اند، تأکید نموده‌اند که قوانین و معاهدات مربوط به کپی‌رایت نمی‌تواند حمایت مؤثر و مناسبی از این نمودها به عمل آورد. در حالی‌که نمودهای فرهنگ عامه حاصل یک فعالیت خلاقانهٔ غیرشخصی، مستمر و با روندی آهسته در یک جامعهٔ مشخص هستند، مصادیق حقوق مالکیت ادبی و هنری یک اصالت شخصی با خود دارند. علاوه بر این، نمودهای فرهنگ عامه نیازمند حمایت مستمر و طولانی‌مدت هستند و حمایت در قالب حقوق مالکیت ادبی و هنری که محدود به دورهٔ حیات پدیدآور به اضافه یک بازهٔ زمانی کوتاه بعد از آن است، برای حمایت از این نمودها مناسب نیست. (UNESCO and WIPO, ۱۹۸۲, p.۵)

۲-٤. حقوق مالکیت صنعتی و تجاری

هر یک از مصادیق حقوق مالکیت صنعتی می‌تواند به نحو غیرمستقیم در حمایت از نمودهای فرهنگ عامه و دانش سنتی مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال حقوق اختراعات می‌تواند با ممانعت از ثبت نوآوری‌هایی که ریشه در جامعهٔ بومی دارد، از اختصاص نامناسب آن به شخص یا اشخاصی محدود جلوگیری کند. یا حقوق علائم تجاری می‌تواند با ایجاد محدودیت‌هایی در ثبت نمودها به عنوان علامت تجاری از وهن این نمودها و استفادهٔ نامناسب از آنها جلوگیری کند؛ امّا زمانی که صحبت از حمایت در قالب حقوق مالکیت صنعتی می‌شود منظور، یک حمایت مستقیم است. یعنی اینکه نمودهای فرهنگ عامه به عنوان یکی از مصادیق این شاخه از حقوق مالکیت صنعتی مورد حمایت قرار گیرد. حقوق مالکیت صنعتی، اصولاً یک نظام حمایتی شکلی و مبتنی بر ثبت است. طولانی و پرهزینه بودن رویه‌های اداری و قضایی باعث می‌شود که شیوهٔ حمایت از طریق مالکیت صنعتی چندان جذاب نباشد. بهترین مصداق از مصادیق حقوق مالکیت صنعتی که می‌تواند برای حمایت از نمودهای فرهنگ عامّه به کار رود، نشانه‌های جغرافیایی است؛ چرا که این مصداق، اختصاص به شخص خاصّی ندارد و یک قلمرو را شامل می‌شود. علاوه بر این عوامل انسانی در کنار کیفیت، شهرت و عوامل طبیعی می‌تواند از جمله ویژگی‌هایی باشد که بین یک کالا و یک منطقهٔ جغرافیایی ارتباط برقرار می‌کند؛ برای نمونه شهرت جهانی سفال‌های لاله‌جین همدان بیش از هر

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

چیز، ریشه در مهارت اهالی این خطّه در امر سفالگری دارد (شایسته، ۱۳۸۹: ۳۶). در خصوص صنایع دستی به عنوان یکی از مصادیق نمودهای فرهنگ عامه گفته شده: «با عنایت به اینکه صنایع دستی، اغلب بر اساس دانش سنتی – که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است – استوار است، استفاده از مبدأ جغرافیایی ابزار مناسبی برای حمایت از این صنایع است؛ زیرا ضمن ارزیابی آن، زمینه‌های پاداش و حمایت را نیز فراهم می‌آورد. مبدأ جغرافیایی بر ارتباط بین فرهنگ انسان و سرزمین و محیط وی تأکید می‌نماید. نشان مبدأ جغرافیایی تا زمانی که دانش جمعی وجود دارد، می‌تواند حفظ شود و رایگان از یک مالک به مالک دیگر منتقل نمی‌شود» (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

با این حال، حمایت در قالب نشانه‌های جغرافیایی با این محدودیت مواجه است که اختصاص به نمودهای ملموس نظیر فرش و پارچه دارد (Kallinikou, ۲۰۰۵, p.٤). علاوه بر این، ثبت ملی یا بین‌المللی مستلزم طیّ یک فرآیند اداری است.

۵. روش حمایتی خاص

"Sui Generis" یک واژه لاتین است به معنای یک نوع خاص[۱]. در دانش حقوق مالکیت فکری، این اصطلاح به معنای یک شکل خاص از نظام حمایتی است که خارج از سازوکارهای موجود قرار می‌گیرد. چنین نظامی برای پاسخ به یک نیاز خاص طراحی می‌شود. بدین معنا که ویژگی‌ها، الزامات و نیازهای خاص یک موضوع، نظام ویژه‌ای را برای حمایت می‌طلبد. (زاهدی و غلام‌دخت، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

از دیدگاه سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)، زمانی که مشخص شود سازوکارهای موجود با توجه به ویژگی‌های یک موضوع نمی‌توانند به آن پاسخ مناسب دهند، باید نظام‌های جدید ایجاد شود. حوزهٔ حمایت از گونه‌های جدید گیاهی و نیز شیوه‌های ساخت مدارهای یکپارچهٔ الکترونیکی، حوزه‌هایی است که حمایت از آنها با شیوهٔ خاص صورت می‌گیرد.

وجود ناسازگاری‌هایی که بین حقوق مالکیت فکری و دانش سنتی وجود دارد، ضرورت حمایت از طریق یک شیوهٔ حمایتی خاص را که با ماهیت و ویژگی‌های آن سازگار باشد مشخص می‌کند

---

۱. A special kind or its own kind

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

(Kuruk, ۲۰۰۷, p.۷۲) . «اگرچه برخی جلوه‌های فولکلور تحت چتر حمایتی قوانین IP [قرار] می‌گیرند و لکن مبانی و فلسفهٔ حمایت از فولکلور و اهدافی که به‌دنبال دارد، ایجاب می‌کند تا تدبیر نظام‌های مستقل و ویژه در کنار IP از این جلوه‌ها حمایت کنند» (الماسی و حبیبی‌درگاه، ۱۳۸۹: ۴۶)

۱-۵. مزایا و معایب حمایت از نمودهای فرهنگ عامه از طریق نظام حمایتی خاص

در صورتی که حمایت از نمودهای فرهنگ عامّه در قالب یکی از مصادیق حقوق مالکیت فکری امکان‌پذیر باشد، این نمودها تحت حمایت یک نظام حقوقیِ از پیش موجود قرار می‌گیرد؛ بنابراین قوانین و مقرّرات مربوط به آن مصداق بر نمودهای فرهنگ عامّه نیز بار خواهد شد، در حالی که یک نظام حمایتی خاص باید از ابتدا طراحی و ساخته شود. بنابراین عدول از حقوق مالکیت فکری، منوط به این است که حمایت از طریق آن کافی نباشد. ایجاد یک نظام حمایتی خاص سبب طرح مسائل مختلف مفهومی و عملی می‌شود. تعریف موضوع حمایت، اهداف حمایت، شرایط لازم برای حمایت، گسترهٔ حقوقی که اعطا می‌شود، دارندگان حقوق (اعم از اشخاص و گروه‌ها) روش‌های استفاده، مدّت حمایت و مسائلی از این قبیل، بایستی مشخص شوند (Kuruk, ۲۰۰۷, p.۷۲).

۲-۵. ویژگی‌ها و کارکردهای اصلی نظام حمایتی خاصِ نمودهای فرهنگ عامه

یکی از سؤالاتی که نظام حمایتی خاص باید بدان پاسخ دهد این است که چه کسانی از این حمایت برخوردار می‌شوند؛ به عبارت دیگر در ارتباط با این نمودها، چه اشخاصی دارندهٔ حقوق محسوب می‌شوند. حمایت باید شامل مردمان و جوامع بومی‌ای شود که فرهنگ مذکور را توسعه داده و حفظ کرده‌اند، هر حقوق یا منافعی که در این زمینه وجود دارد باید به جوامع اعطا شود و نه اشخاص، حتی در فرضی که یکی از اشخاص آن جامعه سبب گسترش دانش سنتی یا نمود فرهنگ عامه شده است. (WIPO, ۲۰۱۵, p.۲۲)

پرسش دیگری که باید بدان پاسخ داده شود پیرامون هدف و نحوهٔ حمایت است. این که هدف از حمایت چیست و حمایت باید به چه صورت و با استفاده از چه ابزارهایی به عمل آید؟ چه اقداماتی باید غیرمشروع و ضمان‌آور شناخته شود؟ اصطلاح حمایت بسته به زمینه‌ای که در آن به کار می‌رود، ممکن است معانی مختلفی داشته باشد، سازمان جهانی مالکیت فکری، حمایت را در خصوص دانش سنتی و نمودهای فرهنگ عامه بدین صورت به‌کار برده است: بکارگیری ابزارها و اصول حقوق

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

مالکیت فکری برای جلوگیری از استفادهٔ غیرمجاز یا نامناسب اشخاص ثالث از دانش سنتی یا نمودهای فرهنگ عامه. در شکلی توسعه‌یافته‌تر، حمایت شامل بکارگیری قوانین، ارزش‌ها و اصول مالکیت فکری برای جلوگیری از سوءاستفاده، تصاحب ناروا، کپی‌کردن، تطبیق و سایر اقسام بهره‌برداری‌های نامشروع است. هدف به طور خلاصه این است که اطمینان حاصل شود از نوآوری و خلاقیتی که در این نمودها وجود دارد به صورت نادرست استفاده نمی‌شود. گفته شده که دو نوع از حمایت باید از نمودهای فرهنگ عامه به عمل آید: حمایت ایجابی و حمایت دفاعی.

حمایت ایجابی به جوامع این امکان را می‌دهد که نمودهای خود را ترویج دهند، نسبت به استفادهٔ از آنها توسط اشخاص ثالث، نظارت داشته باشند و از بهره‌برداری‌های تجاری از این نمودها بهره‌مند شوند.

در مقابل، **حمایت دفاعی** به این منظور طراحی می‌شود که از کسب غیرمشروع حقوق مالکیت فکری یا حفظ این حقوق توسط اشخاص ثالث جلوگیری کند. به عبارت دیگر، هدف حمایت دفاعی این است که اشخاصی خارج از جامعه، نتوانند نسبت به نمودهای فرهنگ عامه یا دانش سنتی حقوق مالکیت فکری بدست آورند. علاوه بر این، سیاست‌های دفاعی می‌تواند مانع از این شود که برخی نمودهای مقدس فرهنگ عامه از قبیل نمادها یا واژگان مقدس به عنوان علامت تجاری ثبت شوند. (WIPO, ۲۰۱۵, p.۲۲)

نکتهٔ دیگری که در طراحی نظام حمایتی خاص باید بدان توجه داشت، ضرورت انجام همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است. حمایت مؤثر و کامل از نمودهای فرهنگ عامه نمی‌تواند محدود به داخل یک کشور باشد. از یک سو، جوامع دارای فرهنگ مشترک الزاماً داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور نیستند و از سوی دیگر، نقض این حقوق ممکن است توسط اتباع بیگانه یا در خارج از کشور روی دهد. اگرچه تصویب یک سند بین‌المللی، می‌تواند به نحو قابل توجهی، حمایت از نمودهای فرهنگ عامّه را بهبود بخشد؛ امّا احتمالاً کشورهای پیشرفته، تمایلی برای پیوستن به چنین سندی نخواهند داشت. در مقابل، کشورهای آفریقایی، به‌شدّت علاقه‌مند به تقویت حمایت از نمودهای فرهنگ عامّه هستند. از این‌رو، برخی حقوقدانان در شرایط فعلی، معتقد به راه‌حل منطقه‌ای

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

هستند تا بین‌المللی (Kuruk, ۱۹۹۹, p.۸۲). تجربهٔ کشورهای آفریقایی می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه در سایر مناطق جهان، یک الگو باشد.[۱]

٦. نتیجه‌گیری

حفظ، بهره‌برداریِ صحیح و ترویج نمودهای فرهنگ عامه در دنیای امروز و جلوگیری از استفادهٔ نامناسب و نیز تصاحب آنها توسط اشخاص ثالث (اشخاصی خارج از آن فرهنگ)، ضرورت حمایت حقوقی از نمودهای فرهنگ عامه را توجیه می‌کند. آن‌گاه این سؤال مطرح می‌شود که آیا حمایت از این نمودها در قالب مصادیق متعارف حقوق مالکیت فکری امکان‌پذیر است؟ آیا این نمودها با یک یا چند مصداق از حقوق مالکیت فکری قابل تطبیق هستند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ منفی باشد. چالش‌های مختلفی، حمایت از این نمودها در قابل حقوق مالکیت فکری را دشوار می‌سازد. در حالی‌که یکی از اهداف اصلی حقوق مالکیت فکری، حمایت از شخص یا اشخاص آفریننده از طریق اعطای حقوق انحصاری است. نمودهای فرهنگ عامه، فاقد آفریننده به‌مفهوم متعارف آن در حقوق مالکیت فکری هستند و متعلق به جوامع هستند. مقایسهٔ مورد به مورد این نمودها با مصادیق حقوق مالکیت فکری نشان می‌دهد که برای تطبیق این نمودها با هریک از این مصادیق دشواری‌های مختلفی وجود دارد. اصرار بر حمایت از طریق مصادیق موجود حقوق مالکیت فکری سبب می‌شود تا استثناهای زیاد بر مقرّرات عام این مصادیق وارد شود و نمودهای فرهنگ عامه در قالب مصداقی ناهمگون وارد یکی از شاخه‌های حقوق مالکیت فکری شود. از سوی دیگر، استفاده از شیوهٔ حمایتی خاص برای حمایت از حقوقی که قابل تطبیق با هیچ‌یک از مصادیق حقوق مالکیت فکری نباشد، مسبوق به سابقه و نسبتاً موفق است، بنابراین به نظر می‌رسد بایستی به‌دنبال طراحی یک شیوهٔ حمایتی خاص برای حمایت از این نمودها بود.

---

۱. ایران می‌تواند این همکاری‌های منطقه‌ای را در سطوح مختلف انجام دهد. با کشورهای پارسی زبان با محوریت نمودهای مبتنی بر زبان پارسی، با کشورهای دارای پراکندگی قومی مشترک (نظیر کشورهای دارای جامعهٔ کردی) و حتی فراتر از مناطق جغرافیایی، با کشورهای مسلمان در خصوص نمودهای مبتنی بر فرهنگ اسلامی.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

فهرست منابع

استوری، جان (۱۳۸۶)؛ مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، چاپ یکم، تهران: نشر آگه.

حبیبی، بهنام (۱۳۸۸)؛ حقوق فولکلور، چاپ اول، تهران: نشر مجد.

زاهدی، مهدی و سمیرا غلام‌دخت (۱۳۹۰)؛ حمایت از دانش سنتی تحت نظام نشانه‌های جغرافیایی، مجلهٔ پژوهش حقوق و سیاست، شمارهٔ ۳۴.

زرکلام، ستار (۱۳۸۷)؛ حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

سلیمانی، حسن (۱۳۸۸)؛ نظام حقوق بین‌المللی حقوق مالکیت فکری و حمایت از صنایع دستی، مجلهٔ پژوهش حقوق و سیاست، سال یازدهم، شمارهٔ ۲۶.

شایسته، شوکت (۱۳۸۹)؛ حمایت از نشانه‌های جغرافیایی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

فاضلی، نعمت الله (۱۳۸۰)؛ فرهنگ عامه و ادبیات عامیانه فارسی، کتاب ماه هنر، شماره ۴۰-۳۹ ، مندرج در سایت http://www.farhangshenasi.ir/persian/node/۶۱۴ (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۶/۷/۲۱)

گولد، جولیوس، کولب، ویلیام ل. (۱۳۷۶)؛ فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستار: محمّد جواد زاهدی مازندرانی، تهران: نشر مازیار.

الماسی، نجادعلی و بهنام حبیبی‌درگاه (۱۳۸۹)؛ شیوه‌های حمایت از جلوه‌های حقوق فرهنگ عامه (حقوق فولکلور)، فصلنامهٔ حقوق، مجلهٔ حقوق دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شمارهٔ ۱، بهار.

همایونی، صادق (۱۳۵۶)؛ یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه، شیراز: فرهنگ و هنر فارس.

Kallinikou, Dionyssia. (۲۰۰۵). Protection of Traditional Cultural Expressions or Expressions of Folklore, Paper presented for the conference "Can Oral History Make Objects Speak?", Nafplion, Greece.

Kuruk, Paul. (۱۹۹۹). Protecting Folklore Under Modern Intellectual Property Regimes: A Reappraisal of the Tensions Between Individual and Communal Rights in Africa and the United States, American University Law Review,Vol ۴۸: ۴.

Kuruk, Paul. (۲۰۰۷). The Role of Customary Law Under Sui Generis Frameworks of Intellectual Property Rights in Traditional and Indigenous Knowledge, Indiana International & Comparative Law Review, Vol. ۱۷: ۱.

The WIPO Inter-governmental Committee on Intellectual Property and Genetic Resources. (۲۰۰۲). Traditional Knowledge and Folklore, Elements of a Sui Generis System for the Protection of Traditional Knowledge, available at: www.wipo.int/

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]

UNESCO and WIPO. (۱۹۸۲). Model Provisions for National Laws on the Protection of Expressions of Folklore against Illicit Exploitation and other Forms of Prejudicial Action.

Wong, Tzen. (۲۰۱۱). Intellectual Property and Human Development, Cambridge University Press.

World Intellectual Property Organization (WIPO). (۲۰۱۵). Intellectual Property and Genetic Resources, Traditional Knowledge and Traditional Cultural Expressions.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-22]